



اهل فرهنگ از لزوم تحصیل کودکان افغانستانی می‌گویند

ریشه‌را از خاک جدا نکنیم



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

ایرانی و افغانستانی تنها هم‌زبان نیستند و اگر به آیین‌ها، سنت‌ها و تاریخ آنها دقیق‌تر نگاه کنیم، درخواستیم یافت که هر دو ریشه در یک خاک و فرهنگ دارند و این گزاره اصیل هم‌یستی چندین ساله ما ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها پیش روی جهانیان است و اثبات این مدعا که خطوط مرزی، نمی‌توانند بین ما فاصله بیندازد. اما چه می‌شود کرد اگرچه اهل این خاک به این درک اصیل رسیدند، متأسفانه بعضی از مردان اداری و سیاسی عاری از فهم این اصالت فرهنگی هستند. نمونه اخیر آن هم مساله‌ای است که باردیگر متوجه تحصیل کودکان افغانستانی شده‌است. در سال‌های مختلف انواع و اقسام شیوه‌های مدیریتی درباره نحوه ساماندهی دانش‌آموزان افغانستانی انجام شده که هر یک به نتایجی موقت و مقطعی ختم شدند. در سال‌هایی مهاجران افغانستانی اجازه تحصیل نداشتند و تبعات اجتماعی این اقدام آنقدر منفی بود که مسئولان امر را به تجدیدنظر درباره این تصمیم واداشت. این سیاست‌های مختلف تا ۶ سال پیش به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرفت تا اینکه در بهار سال ۱۳۹۴ دستوری از رهبر انقلاب منتشر شد مبنی‌بر اینکه: «همه کودکان افغانستانی، چه آنها که دارای شرایط قانونی حضور در ایران هستند و چه آنها که مدارک قانونی حضور در ایران را ندارند باید در مدارس دولتی ثبت‌نام شوند.» این دستور قاطع و فراگیر پایانی بر همه تصمیمات موقت و گذرای این سال‌ها درباره تحصیل مهاجران افغانستانی در ایران بود و رهبر انقلاب دوباره با این تصمیم نشان دادند که نگاه آرمانی جمهوری اسلامی به مستضعفان فارغ از مرزها تعریف می‌شود. علی‌رغم این اقدام مهم و ارزشمند در ساختار آموزشی کشور، متأسفانه مسائل و مشکلات تازه‌ای پیش روی تحصیل کودکان افغانستانی شکل گرفته که بخش مهمی از این کودکان را دچار مشکل ادامه تحصیل می‌کند. این سلسله مسائل که بیشتر ناشی از ناکارآمدی برخی از مدیرانی میانی است، قطعا اثرات زیانبار اجتماعی و فرهنگی برای تربیت و تحصیل کودکان افغانستانی رقم خواهد زد. با دو تن از شاعران افغانستانی که ساکن ایران هستند صحبت کردیم تا نظرات آنها را در مورد مساله تحصیل کودکان افغانستانی جویا شویم.

محمدسرور رجایی، شاعر افغانستانی:

حق تحصیل را از کودکان مهاجر نگیریم

حس درس خواندن به‌واسطه دوستان و فامیل برایش ایجاد می‌شود و آرزو می‌کند که من هم سال بعد به مدرسه خواهیم رفت و اگر این اتفاق بیفتد و مانع تحصیلی برایش پیش بیاید، به‌نظرم یک اتفاق بدی را برای روحیه این دانش‌آموز رقم زدیم و آن دانش‌آموز خود را ندانسته سرزنش می‌کند که چرا نمی‌توانم درکنار دوستانم به تحصیل بپردازم و دور نگه داشتن اینها از درس به هر دلیلی که باشد به‌نظرم من همان قدر که به ضرر آن کودک و والدینش است، به ضرر جامعه مشترکی است که ما در آن زیست می‌کنیم. به‌ضرر جامعه فرهنگی است که قرار بود با هم آن را بسازیم. یقینا دوستی‌های ما، روابط اجتماعی ما از کودکی در مدارس شکل می‌گیرد، اگر این دوستی‌ما به‌واسطه برخی سیاست‌ها و بخشنامه‌های نامطلبن جریحه‌دار شود، این مسائل در ذهن آن دانش‌آموز ماندگار شده و هرچه بالاتر برود، بیشتر باعث دوری او از اجتماع می‌شود. او در پایان صحبت‌هایش گفت: «نه‌تنها انتظار من، بلکه انتظار همه مهاجران افغانستانی که در ایران زندگی می‌کنند از مسئولان آموزش وپرورش ایران این است که بدون قید و شرط، شرایطی را برای ثبت‌نام این بچه‌ها وضع کنند و راهکاری خوب و قابل‌الطمینان برای ثبت‌نام در مدارس نزدیک خانواده‌هایشان فراهم کنند. من معتقدم هزینه‌ای که نظام جمهوری اسلامی برای باسوادشدن کودکان افغانستانی تقبل می‌کند، خیلی کمتر از آن هزینه‌ای است که آنها را در مدارس نپذیرند. فاق، دوستی و برادری مادر نسلی که در ایران متولد شدندو خودشان را ایرانی می‌دانند،نه افغانستانی،ناباید تعلق خاطری که دارنداز اینها گرفته‌شود،اگر در فردایی این نسل به کشور خودبرگردند بایدسفیران مهربانی ایران در کشور خودشان باشند. در کشوری که آن را ندیده‌اند. مسئولان بایثبات نام آسان بگذارند، اینها در ایران خوب زندگی کنند و درس بخوانند. در دنیایی که به‌سمت علم و سواد و دانش می‌رویم کار زیادی نیست که مسئولان بخواهند این بچه‌ها ادامه تحصیل بدهند. این خواسته همه مهاجران افغانستانی است که برای ثبت‌نام‌شان مطابق فرمان مقام معظم رهبری راه را آسان کنند تا همه سواد بیاموزند و از این حق محروم نباشد.»



محمدسرور رجایی، شاعر افغانستانی ساکن ایران است، به‌سراغش رفتیم تا روایت دیگری از مسائل تحصیلی دانش‌آموزان افغانستانی را برپایمان بگویید. او در ابتدای صحبت‌هایش گفت: «من ابتدا باید بگویم بسیار خوشحال هستم که موضوع تحصیل کودکان افغانستانی مورد توجه دوستان رسانه‌ای قرار گرفته است. یقینا همین توجه باعث نظم و حل مشکل این کودکان می‌شود. بحث تحصیل همیشه دامن‌گیر کودکان افغانستانی بوده است، همیشه این نگرانی وجود داشته است. حتی گاهی نام‌نویسی را به روزهای پایانی می‌اندازند و آنقدر این نگرانی ادامه پیدا می‌کند که باعث ناراحتی زیاد و سرخوردگی می‌شود و همیشه این نگرانی را دارند که نکند ثبت‌نام نشوند. فکر کنید این نگرانی را همیشه والدین دارند که اگر این بچه ثبت‌نام نشود، چقدر در روحیه‌اش تأثیر بدی دارد. این اتفاق باعث آزار همه مهاجران افغانستانی شد که در ایران حضور داشتند. امیدوارم این توجه باعث شود فرق بین دانش‌آموز افغانستانی و ایرانی قائل نشوند، خیلی از این بچه‌های افغانستانی ایرانی‌تبار افغان هستند و پدر و مادرشان هم در ایران به دنیا آمده‌اند. اینکه گاهی شنیده می‌شود وقت اهدای کارنامه پایان دیپلم می‌نویسند محل تولد افغانستان. از آن کج‌سلیقه‌گی‌هایی است که باعث آزار بعضی‌ها می‌شود.»

رجایی به حسن این اتفاق برای بچه‌های افغانستانی اشاره کرد و دراین‌باره گفت: «درواقع هر کودکی قبل از اینکه به مدرسه برسد،

ریشه در خاک و آیین ایران و افغانستان

محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی در سال ۱۳۴۶ در هرات به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ به کابل کوچ کرد و تا سال آخر دبیرستان در کابل درس خواند. در سال ۱۳۶۳ به ایران آمد و پس از پایان دوره دبیرستان، کارشناسی خود را در رشته مهندسی عمران از دانشگاه فردوسی مشهد گرفت. او سال ۱۳۶۵ فعالیت‌های ادبی‌اش را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ به عضویت گروه شعر حوزه هنری مشهد درآمد و در سال ۱۳۶۹ به انجمن شاعران انقلاب اسلامی افغانستان پیوست و آن را تا دهه ۷۰ ادامه داد. او تحصیلات خود را تا دکتری زبان و ادبیات فارسی ادامه داده است.



شهربانو سادات، فیلمساز افغانستانی است که در سال ۱۳۶۹ در تهران به دنیا آمده و بعد از مدتی به روستایی دورافتاده در افغانستان برای ادامه زندگی رفت. او دوره آموزش فیلمسازی را در کابل و ایران گذرانده و برای شروع کار خود، مستند خودش را در سینما حقیقت به نمایش گذاشت. اولین فیلم بلند سینمایی او «گرگ و گوسفند» داستان یک روستا است که شباهت بسیاری به جایی دارد که او بزرگ شده است.



احمدشاه بهزاد متولد ۱۳۵۳ هرات است. وی در سن ۱۱ سالگی و با اوج گرفتن جنگ در سال ۱۳۶۴ به‌همراه خانواده به ایران مهاجرت می‌کند و در مشهد ساکن می‌شود. او در ایران تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس خودگردان مهاجران ادامه می‌دهد و در سال ۱۳۷۰ به مدارس ایران راه می‌یابد و بعد هم نماینده مردم هرات در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم مجلس نمایندگان افغانستان و اکنون از اعضای شورای عالی جنبش‌روشنایی نیز به‌شمار می‌رود.



جعفر مهدوی متولد ۱۳۵۳ ولایت غور است. او تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع دکتری در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران ادامه داد و در سال ۱۳۸۴ تحصیلات خود را به اتمام رساند. مهدوی بعدها حزب ملت افغانستان را تأسیس کرد و توانست در دوره شانزدهم پارلمان افغانستان به نمایندگی از مردم کابل به مجلس نمایندگان افغانستان راه پیدا کند. او تلاش‌های زیادی برای مقاومت افغانستان در مقابله با داعش انجام داده و به گفته خودش ایران همیشه برایش یک وطن است و مرزی را بین ایران و افغانستان نمی‌شناسد و معتقد است همه هموطن هستیم.



سیداحمد مدقق متولد ۱۳۶۴ در قم است. خانواده‌اش در سال ۱۳۵۹ به ایران مهاجرت کردند و احمد در سال ۱۳۶۴ در شهر قم به دنیا آمد. داستان نویسی را با نوشتن در مجله سلام بچه‌ها در اوایل دهه ۸۰ شروع کرد و با آغاز دهه ۹۰ به‌صورت جدی تر و با شرکت در مدرسه اسلامی هنر، داستان نویسی را ادامه داد. او اکنون در مدرسه دراماتورژی قرآن کریم وابسته به مدرسه اسلامی هنر در قم همکاری می‌کند. مدقق داستان نویسی را از دوران دبیرستان آغاز کرد و اولین رمان بلند او به نام آوازه‌ای روسی در یازدهمین جایزه ادبی جلال شایسته تقدیر شناخته شد. این رمان تاکنون به زبان های عربی، صربی و ترکی درحال ترجمه است.

◆◆◆

تاریخ ۹۷/۷/۲۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. لذا از باینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان به نشانی گرگان: بزرگراه شهید کلاتری- خیابان دانشگاه آزاد اسلامی- مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی گرگان که پستی ۹۹۱۴۳۳۹۹۷۵ اداره امور دانش آموختگان ارسال نماید.

◆◆◆

اطلاعیه: با سلام و احترام اینجانب رمضان منصوری حبیب‌آبادی کد ملی ۱۲۸۶۷۶۴۸۷۴ دارنده پروانه بررداری یک واحد مرغداری به ظرفیت ۵۰۰ قطعه‌ای به شماره ۲۴۸۷۲/۲۳ مورخ ۱۳۷۶/۰۹/۱۱ ضمن اعلام مفقودشدن آن بدینوسیله ساقط شدن اعتبار پروانه مذکور را اعلام می‌نمایم.

◆◆◆

اطلاعیه: باسلام و احترام اینجانب رمضان منصوری حبیب‌آبادی کد ملی ۱۲۸۶۷۶۴۸۷۴ دارنده پروانه بهداشتی یک واحد مرغداری به ظرفیت ۵۰۰ قطعه‌ای به شماره ۱۳۵۴۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ ضمن اعلام مفقود شدن آن بدینوسیله ساقط شدن اعتبار پروانه مذکور را اعلام می‌نمایم.

شیراز به نشانی شیراز، کیلومتر ۵ شهر صدر، پردیس دانشگاه آزاد اسلامی شیراز صندوق پستی: ۷۱۹۹۳-۵-۷۱۹۹۳، ۷۱۹۹۳-۳-۲۰۷۱۹۹۳-۱۰ کد پستی: ۷۴۷۳۱-۷۱۹۸۷ ارسال نماید.

◆◆◆

گواهی موقت پایان تحصیلات اینجانب شهره بختیاری‌زاده فرزند هوشنگ به شماره ملی۱۶۶۰۱۶۶۲۹۹۲در مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده‌و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

◆◆◆

گواهی موقت پایان تحصیلات اینجانب محمدسهیل موسایی فرزندرضا به شماره ملی۱۷۹۰۱۳۰۳۰۸در مقطع کارشناسی رشته مهندسی شهرسازی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده‌و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

◆◆◆

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمدعلی خسروی فرزند حسین به شماره ملی۲۴۱۰۲۴۱۰۴۸۸۰صادره از مینودشت در مقطع کارشناسی رشته کامپیوتر -نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی آزاد گرگان به شماره ثبت ۳۲۱۷۶۶۴

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند در نظر دارد یک دهنه غیرتجاری (نبش خیابان چماران بیرجند) به مساحت تقریبی ۱۴۰ مترمربع زیربنا را جهت دایر نمودن ناوابلی برای مدت یک تا سه سال به صورت اجاره به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیان محترم دعوت به عمل می‌آید جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از محل و دریافت فرم شرکت در مزایده به دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه مراجعه و یا کت پیشنهادهی خود را ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج این آگهی به دبیرخانه حراست دانشگاه تحویل نمایند. مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۲۰۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌بایست به شناسه بانکی ۳۱۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰ به حساب شماره ۰۵-۷۷۳۲۰۰۵۸۶۰۱۰۵۸۶۰ به نام واحد بیرجند نزد بانک صادرات واریز و اصل فیش مربوطه را در پاکت مخصوص ارائه نمایند. مبلغ اجاره بهای پایه ماهانه ۴۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. پرداخت هزینه تجاری موقت سالیانه ملک یادشده به شهرداری به عهده برنده مزایده خواهد بود. دانشگاه در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد. هزینه درج این آگهی به عهده برنده نهایی مزایده می‌باشد.

حوزه معاونت توسعه و مدیریت منابع دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند